



تغییر مواضع ایدئولوژیکی، تشکیلاتی، سیاسی

مسعود رجوی و عده‌های دیگر، و طرد آنان از

«سازمان مجاهدین خلق ایران»

يخلفون بالله ما قالوا ولقد قالوا كلمة الكفر وكفروا بعد اسلامهم وهموا
 بما لم ينالوا وما نقموا الا ان اغنيهم الله ورسوله من قفله فان يتوبوا يك
 خيرا لهم وان يتولوا يعذبهم الله عذابا الیما فی الدنيا والآخرة وما لهم
 فی الارض من ولی ولا نصیر *
 سوره توبه آیه ۷۴

سوگند خوردند بخدا ننگفتند ، بتحقیق گفتند سخن کفر را و کافر شدند پس از
 اسلامشان و خواستند آنچه را بدان نرسیدند و کین ندارند مگر از آنرو که
 بینایشان کرد خدا و پیامبرش از فضل خود پس اگر توبه کند بهتر باشدشان
 و اگر پشت کند عذابشان کند خدا عذابی دردناک در دنیا و آخرت و
 نیستشان در زمین دوست و نه یآوری *

بنام خدا

و

بنام خلق قهرمان ایران

و

بنام شهدای راه آزادی

هموطنان عزیز

نیروهای انقلابی و مرفقی

اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران

سازمان ما طی ۲۰ سال حیات پرافتخار خود ، ضربات سختی را چه از بیرون و چه از درون

متحمل شده ، و هر بار سر بلندتر و متکاملتر از پیش سر برافراشته و براه خود برای رسیدن بجامعه

توحیدی که عاری از هرگونه ستم و استثمار است ، ادامه داده *

از صیق ترین این ضربات ، ضربه ای بود که رهبریت منحرف (اپورتونیست) صالحی

۵۴ - ۵۲ بر سازمان و بالعمال به جنبش وارد آورد ، و آنرا تا مرز تلاشی کامل کشاند . رهبریت اپورتونیست (سالهای ۵۴-۵۲) با سوءاستفاده از مواضع سازمانی و شرایط مخفی و سخت مبارزاتی آن زمان و اعتماد برادرانه، که از سنن اجتناب ناپذیر این گونه سازمانهاست . . . برخلاف تمام اصول انقلابی ، تحت عنوان ، " درك ضرورتهاي نوين سياسي - ايدئولوژيك " " تکامل اندیشه و ایدئولوژی " و " شوق رسیدن بهد فوحدت نوین ایدئولوژیک " و " ضرورتهاي نوین انقلابی " ، " دوره تحول کیفی جدید . . . " دست به تغییرات اساسی در اصول ایدئولوژی و سنن انقلابی . . . شناخته شده سازمان مجاهدین خلق ایران زده ، و به بهانه طرد " مواضع انحرافی " ، " وابستگی طبقاتی " " افکار ارتجاعی " و " نقطه نظرهای نادرست " . . . گذشته سازمان را تا قبل از تکامل ایدئولوژیک خود ، ارتجاعی ، انحرافی و نادرست . . . نامیده و با سود جوئی از اتوریته سازمانی و امکانات تشکیلاتی . . . اعضا را برسر و راهی قبول باصطلاح " تکامل اندیشه و ایدئولوژی " . . . یا خروج از سازمان می گذاشتند . . . و یا شیوه های غیر انقلابی ، آنها را به تسلیم ، یا تصفیه و یا انفعال کشانده و مدافعان ایدئولوژی توحیدی و سنن انقلابی سازمان را بعنوان " سخت سران اصلاح ناپذیر " که " حاضر به رفع عیوب خود نبودند و به آتش میکشیدند ، و یا بدون امکانات و . . . رهایشان کرده تا بچنگ ساواک بیافتند . . .

اما هنوز بودند اعضای ، اگر چه اندک ، که همچنان بر اصول ایدئولوژی و سنن انقلابی سازمان مجاهدین خلق پای فشرده و بر جای ماندند . پایداری و استقامت اندک اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق ، چه در زندانهای " قصر " و " اوین " و چه در خارج از زندان مانع گردید تا سازمان بالکل و در نتیجه دستاورد های تئوریک ایدئولوژیک و تجارب گرانبهای تشکیلاتی . . . آن ، که حاصل هزاران ساعت کار فشرده جمعی و گروهی سازمانی بود ، از بین برود . که بعد از ضربه اپورتونیستها ، از سال ۵۶ بتدریج قسمتی از ایمن دستاورد ها تدوین و سپس بعد از انقلاب ۲۲ بهمن ۵۷ بخشی از آنها چاپ ، و برای استفاده در دسترس عموم در سطح جامعه قرار گرفت .

مقاومت و پایداری و افشاگری سیاسی اعضا سازمان و حمایت پید ریخ خلق قهرمانان و احیا و یازسازی آن از طرفی ، و از طرف دیگر ، پیرو عکس عمل کرد غلط اپورتونیستها و بر ملا شدن ماهیتشان ، باعث گردید تا سرعت ایزوله شده ، منزوی گردند . لذا پس از وارد آوردن ضربه ای خرد کننده به سازمان و در نتیجه به جنبش خلقمان که عوارض آنرا هنوز شاهدیم ، خود نیز پراکنده شده و پاتشی که سهمی در فروختن شد داشته سوختند . . .

اکنون پس از ده سال برای بار دیگر رهبریت فرصت طلب سازمان ، در بُعدی دیگر تحت

ادعاهای مشابه نظیر "جهش عظیم آید ثلوثیك" ارتقا "کیفی عقیدتی تشکیلاتی" و "تحول عمیق درونی و ارتقا" جدا "کیفی و تکاملی" و سوزاندن "رسوبات جهل و جاهلی" و "دگمهای ادوار جاهلیت" ... دست به تجدید نظر در معیارهای آید ثلوثیكی و سنن انقلابی سازمان مجاهدین خلق ایران زده ...

ضربه متلاشی کننده رهبریت منحرفه‌الهای ۵۴-۵۲، و اختناق حاکم تا انقلاب ۲۲ بهمن ۵۷ و سپس سرعت جریانات و حوادث بعد از انقلاب، پیوستن بسیاری از مردم به سازمان و گسترش عضویت در سراسر کشور، نبود کادر کافی ورزیده و آموزش دیده جهت تعلیم دستاوردهای ثلوثیك و تجارب تشکیلاتی، تهاجمات متعدد رژیم سازمان، تحمیل يك حالت نیمه مخفی بعد از مدتی کوتاه از انقلاب، به سازمان (بخصوص از اواسط سال ۵۹ که دادستانی در رابطه با پرونده شهید سعادت حکم بازداشت چند نفری از اعضا و مرکزیت را اعلام نمود)، عدم آگاهی لازم اعضا و توده های هوادار از ضوابط و حقوق تشکیلاتی و بورژوا اعمساد برادرانه نسبت به رهبریت و ... موقعیت مناسبی شد تا رهبریت سازمان، فرصت طلبانه (که ریشه در مسائل دیدگاهی و خصلتی اش داشت)، با سوء استفاده از مجموع موارد بالا ... بنفع خود سود جست، تلاشی برای اجرای ضوابط و اصول عام تشکیلاتی (که مورد قبول و تأیید همه انقلابیون راستین عالم و "حاصل عملکرد و تجارب ناشی از جریانات و حرکات انقلابی در سراسر جهان" ... و مورد قبول سازمان مجاهدین خلق ایران نیز بوده و هست که در جزوات آموزشی سازمان از جمله جزوه آموزشی "بررسی امکان انحراف مرکزیت د مکراتیك" منعکس می باشد)، در سطح سازمان نکند.

مرکزیت فرصت طلب بتدریج و بر خلاف تمامی دستاوردها و ضوابط و اصول مدون سازمان تشکیلاتی، سانترالیسم - د مکراتیك و انتقاد و انتقاد از خود و رهبری جمعی ... را بیسه سانترالیسم و انتقاد يك طرفه از بالا به پائین و رهبری جمعی را نیز بحاکمیت یکفر سمت و سمو داد ... اگر چه در حرف و یا در جزوات، از سانترالیسم د مکراتیك، انتقاد و انتقاد از خود و رهبریت جمعی، و مخالفت با قطبی شدن ... بحث شده و یاد داد سخن میدادند، ولی در عمل د مکراسی انقلابی، رهبریت جمعی ... رنگ باخته و مضبوط ماندند ... لذا سازمان فاقد اساسنامه (که مجموعه ای از موازین و مقررات و قواعد حاکم بر حیات تشکیلاتی است) بود.

چون انتخابات و کنگره یعنی عالی ترین ارگان تصمیم گیرنده ای ... در کار نبود.

رهبریت پراگماتیست با تحلیلی غلط (تك پایه نشدن سیستم تا پایان جنگ ...)، با اینکه میدانست در سرفصل مشخص مبارزه مسلحانه بر علیه رژیم خمینی اجتناب ناپذیر است و با اینکه از پنج ماه پیش نیز خبر داشت که رژیم برای حمله به نیروهای انقلابی آماده میشود، اما نه تنها

به آماده سازی سطح سازمان برای ورود به فاز نظامی نپرداخت ، بلکه با صدور اطلاعیه سیاسی - نظامی در ۲۸ خرداد آتوئی نیز به رژیم داد .

در زمانیکه میبایست سازمان با آمادگی لازم بفاز جدید کام میگذاشت ، بدون تحلیل مشخصی از شرایط و بدون استراتژی مرحله بندی شده ، و با پریها دادن بوحدت با لیبرالها (جذب پایه جدا شده از سیستم) و کم بهادادن به نیروهای انقلابی (در رابطه با اصل وحدت نیروها) با ساده اندیشی و ذهنیگرائی ، و پریها دادن بخود و کم بها دادن بدشمن بتصور اینکه ظرف چند ماه میتواند با طرح " سقوط ضربه ای " بحاکمیت سیاسی دست یابد ، و با نقض و زیر پا گذاشتن اصول عام تشکیلاتی ، بدون اطلاع سطح سازمانی به " تشخیص و به فرمان او " بدون استراتژی مرحله بندی شده و بدون آمادگی . . . مبارزه مسلحانه " آغاز گردید . . .

بعد از چپ و راست زدنیهای متناوب در مقاطع مختلف (نقل از جمع بندی طرح مقدماتی مرحله سوم) طی سه مرحله (در سه سال گذشته) ، که نتیجه آن چیزی جز شکست نظامی و از دست دادن بیش از ۸۰٪ اعضا و کادرها و تقریباً تمامی پایگاههای داخلی نبود . . . و از طرفی با برخورد های فرصت طلبانه و پراگماتیستی ، شورای ملی مقاومت را بزناده خود تبدیل و به مرتزق تاشی کامل کشانده .

و بخاطر خروج ازین بستی که خود ایجاد کرده و مسببش میباشد ، خود سرانه و بدون هیچ مجوز سازمانی و برخلاف خطوط استراتژیکی و سابقه مستقلانه و متکی بر خلق ، سازمان را به متحدی " شمریخس " با کشورهای مرتجع و سوسیال خرد ، بورژوائی عرب تبدیل نمود . . . و همزمان برای نجات ازین بست ، بعد از اینکه رژیم قسری - ارتجاعی خمینی هیأتی برای تماس و مذاکره با مخالفان باین سو و آن سوی گسیل داشت ، رهبریت اپورتونیست ، با این تصورواهی که ممکنست رژیم ارتجاعی با مخالفان بنتایجی برسد ، و اینان از قافله عقب بمانند . . . (ضمن داشتن اطلاع رسمی از تاریخ ۶۳/۳/۵) از مذاکره حزب دمکرات کردستان با رژیم جمهوری اسلامی ، و حداقل موافقت ضمنی و مخفی نگهداشتن آن تا اعلام خبر توسط حزب دمکرات در شهریور ۶۳) ، مبادرت به ارسال سه " پیام " و " پیشنهاد " پیاپی از ۲۷ فروردین تا . . .

مرداد ۶۳ به خمینی مبنی بر اجرای انتخابات آزاد و پذیرش نتایج آن بازا " زمین گذاردن و تحویل اصلحه توسط مجاهدین نمود . . . که با جواب رد از طرف رژیم ضد انقلابی خمینی مواجهه گردید . . . باید توجه داشت که ارسال سه " پیام " و " پیشنهاد " پیاپی بخمینی جهت شرکت در انتخابات و همچنین اطلاع از مذاکره حزب دمکرات با رژیم و مخفی نگهداشتن آن . . . در بطن خود یعنی قبول و امکان " رفرم " و " استحاله " پذیری و " مشروعیت " رژیم نه نفی آن در کلیتش . . .

رهبریت اپورتونیست ، بعد از آنکه از نزدیکی بحسورهای مرتجع و سوسیال خرد ، بورژوائی

عرب * * * و پیامهای مکرر بخمینی مبنی بر زمین گذاشتن اسلحه در ازا * انتخابات آزاد * * * نتایج مورد نظر را نگرفت * * * تحت عنوان " دیپلماسی انقلابی " برخلاف خطوط استراتژی سازمان از بد و تاسیس ، خط " جلب و جذب " امپریالیسم آمریکا را اتخاذ نمود (* همسه نیروها که در راه جلب آمریکا برای رسیدن بقدرت سیاسی هستند ، محال است که بدون مشابهت ماهوی با او بتوانند جذب بشکنند * یک نیروی کوچک نمیتواند یک نیروی بزرگ را جذب بکند) و برای جلب حمایت آنها دست توسل بسویشان دراز میکند * * *

اما حمایت گلهای نمایندگان هردو جناح آمریکائی (از جمهوریخواه و یاد مکررات که فرق کیفی با یکدیگر ندارند) * * * و احزاب سوسیال د مکررات و محافظه کار اروپائی * * * که بانقض خطوط استراتژی سازمان و دوری و حمله به نیروهای انقلابی و ترقی * * * بدست آمد * * * تاکنون نیز نتوانسته کارچندان از پیش برد و نتایجی که مد نظر اپورتونیسیم حاکم بود (یعنی دستیابی به حاکمیت سیاسی ، با پشتیبانی و کمک و حمایت * * * آنها) ، حاصل نگردیده * * *

از طرف دیگر ، رهبریت پراگماتیست - اپورتونیسیت سابق ، برخلاف معیارهای ایدئولوژیکی و ضوابط مدون تشکیلاتی (مندرج در جزوات آموزشی سازمان منجمده در جزوه " بررسی امکان انحراف مرکزیت د مکرراتیک) فرصت طلبانه سعی میکرد ، صلاحیت را در مورد خود مطلق و خود را خطاناپذیری بری از اشتباه جلوه داده ، که نیازی به کنترل و حسابرسی ندارد * * * تا بلکه بتواند در آینده بد آن رسمیت دهد * * * و تلاش میکرد تا این تصور انحرافی و غیرطبیعی و مغایر با معیارهای ایدئولوژیکی را * * * چه در سازمان و چه در خارج از آن تحت پوشش " صلاحیت " و رهبری ، دیدگاهی ایدئولوژیکی و دستاوردی نو که ویژه سازمان است قلمداد نماید *

با چنین برداشت انحرافی از ایدئولوژی در رابطه با عنصر صلاحیت و رهبری بود که به بهانه های مختلف تلاشی برای اجرای د مکرراسی از وجه سانترالیسم - د مکرراتیک در سطح سازمان انجام نمیداد *

بنابراین از برگزاری انتخابات و برپائی کنگره و تدوین اساسنامه و کنترل و حسابرسی مرکزیت در سازمان خبری نبود * * * در نتیجه اجرای کامل ضوابط مدون تشکیلاتی بحالت تعلیق در آمده و با آنها را در مورد خود ساری و جاری نمیدانست * و خویش را فعال مایشا * فراتر از معیارها (و اساسا شاخص) و اصول سازمانی ، که مجاز به هر نوع نقض یا تغییر و تفسیر و تعبیرد آنهاست (اعم از ایدئولوژیکی ، تشکیلاتی ، سیاسی - استراتژیکی) میدانست * و توانسته بود با سودجویی از موضع سازمانیش و نبود اساسنامه * * * و شرایط مخفی و حاد مبارزاتی و با سود استفاده از اعتماد برادرانه اعضا * * * بانقض ضوابط عام تشکیلاتی * * * بدین تفکرات انحرافی و برخلاف معیارهای ایدئولوژیکی ، تا حد ویدی جامه عمل بپوشاند * * *

(۱) - مشروح مطالب فوق ، طی نامه هائی برای مرکزیت اپورتونیسیت سابق سازمان ارسال شده که در صورت لزوم پخش خواهد شد *

پروژه دو ساله مبارزات درون گروهی، در مقابل انحرافات رهبری که نقطه عطف و کیفی آن کنگره ناقص و ناتمام (در تاریخ ۲۱/۵/۶۳) بود، مرکزیت منحرف (اپورتونیست) سابق را بر سر و راهی گذاشت. که میبایست با اصول توحیدی انقلابی سازمان بازگردد. و درك انحرافی و برداشتهای غلط از ایدئولوژی و اصول تشکیلاتی خود را تصحیح کند، و با از پنهان شدن در پشت اصول انقلابی... سازمان دست برداشته و دیدگاهها و تفکرات و برداشتهای ارتجاعی و ضد دموکراتیک... خود را شوریه و آشکارا بیان و اعلام نماید. و از حواریون خود "بیعت بگیرد" تا بدین رسمیت داده و خود را تثبیت نماید...

لذا ایامیابیستی تن بکنگره منتخب اعضا و کادر رهاداده و حسابرسی میشد و نتایج آنرا که همانسا توییح و برکناری از تمامی مسئولیتهای سازمانی، به خاطر دیدگاههای انحرافی از ایدئولوژی و نقض مکرر اصول عام تشکیلاتی و موضعگیریهای غلط سیاسی - استراتژیکی، در نتیجه چپ و راست زدنیهای متناوب، که موجب شکست پیاپی... شده بود، را میپذیرفت. و با برآمدن خود که منجر به تعیین سق انحرافات و اشتباهات، حتی اگر به بهای تلاشی سازمان و ضربات کاری به جنبش... میگردد، همچنان ادامه میداد. تا بتواند هر چند برای مدتی کوتاه مانع از حسابرسی و بر ملا شدن انحرافاتش، و در نتیجه از دست دادن مسئولیتهایش در سطح سازمان شود...

بنابراین ضمن ناتمام گذاشتن و عدم تداوم جلسات کنگره ناقص، برای تثبیت غیر اصولی خویش و فرار از حسابرسی... شش و دوم را انتخاب و حدود دو ماه بعد از کنگره ناقص و ناتمام (پائیز ۶۳) تحت عنوان جمع بندی... سازمان را ملک شخصی و ارثیه پدری محسوب داشته، دست به تجدید نظر اساسی در اصول و ضوابط تشکیلاتی و معیارهای ایدئولوژیکی و سنتهای انقلابی سازمان مجاهدین زده... (اوائل پائیز گذشته تحت هدایت خود مسعود، دفتر سیاسی و کمیته مرکزی... بیکی از عالی ترین دست آوردهای عقیدتی و تشکیلاتی این... جمع بندی دست یافت... گام بلندی که به مثابه یک جهش انقلابی و ایدئولوژیکی است... و مسعود آنرا مبین دوران نوینی از اعتلای سازمانی - ایدئولوژیکی توصیف کرده). آنها را در جهت قهرقرائی و ارتجاعی تغییر و سپس پذیرش یا رد آنرا ملاکی برای ادامه عضویت اعضا در سازمان قرار داده (بشکی نظیر اقدام اپورتونیستهای چپ نما در سالهای ۵۴ - ۵۲)، لذا بدینوسیله عده ای از اعضا و کادرها... را تمغیه و با عبارتی حاضر معتقد و مؤمن با اصول سازمان را که گردن بدین انحرافات نگذارده و "جهش عظیم ایدئولوژیکی" ارتقا کیفی عقیدتی تشکیلاتی "تحول عمیق درونی و ارتقا جدا" کیفی و تکاملی را قبول نکرده به بهانه نپذیرفتن "تبلیغ رسالتهای الهی" صیقل ناپذیری از "ارتجاع و دگمهای ادوار - جاهلیت و" رسوبات جهل و جاهلی" از تشکیلات جدید "تکانده" تا "بسرکار خود بفرزند" واگفته میشود که "کنار بکشید"...

دست آورد این تجدید نظر انحرافی ، شرك آلود و ارتجاعی تحت عنوان " ارتقا " کیفی عقیدتی و تشکیلاتی " ... در سخنان مسعود رجوی و اطلاعیه و دیگر مطالب ... در مجاهد ۲۴۱ مورخ ۱۵ فروردین ۱۴ (که در آن به تبلیغ شرك آشکار و مجسم پرداخته) ، تحت عنوان باصطلاح " جهش عظیم ایدئولوژیکی " و " تحول عمیق درونی و ارتقا " جدا " کیفی و تکاملی " و " معرفی رهبری نوین سازمان " و ازدواج با همسر مهدی ابریشمی بعنوان " نهاد و شاخص " این " انقلاب جدید " معرفی و منعکس شده ... که پس از انتشار ، بحق باموجی از انزجار و نفرت و اعتراض همگان مواجه گردید ...

این دست آورد ارتجاعی ، شرك آلود ... ، ام از " خدا " و پیامبر ساختن مسعود رجوی ، تا " رسالتی " که برای هدایت بشریت ، و تانقض و نفی تمام عیار سائترالیم - دمکراتیک (رهبری جمعی ، انتخابی و قابل عزل بودن و ...) ، تا خطاناپذیری و " غیرقابل جانشین " بودن ، تا رهبریت مادام العمریش ، تا قطب انقلاب نوین دمکراتیک ... تا " یگانگی تشکیلاتی " که برای او مجاز و برای دیگران " قابل الگو برداری نبوده " ، تا انتصاب عده ای ، آنها بشروط قبول پیامبری و خدائی وی ... (و جهش عظیم ایدئولوژیکی ، و تحول عمیق درونی و ارتقا " جدا " کیفی و تکاملی و انقلاب جدید ...) ، به عضویت دفتر سیاسی و کمیته مرکزی ... من در آوردی (چرا که ، سازمان بخاطر سلطه مرکزیت اپورتونیست ، فاقد اساسنامه ایست که باید توسط کمره منتخب اعضا " ... تدوین و تصویب شود ...)

... و تا ازدواج با همسر مهدی ابریشمی (مریم قجر غدا انلو) ، بعنوان وسیله ای بخاطر " تکمیل کردن رهبریش بوسیله مریم " ، آنها بنام اعتلا " مقام زن ... و تابدعت گذاری در اسلام و نسبت دروغ به پیامبر ... و ... و ... که تعاما " ، اعلام مواضع و دیدگاهها و تفکرات ارتجاعی و شرك آلود ، این جریان انحرافی به " خدائی " و پیامبری ... مسعود رجوی که همه " رکوردها " ی " ابتلا " را بدست آورده " میباشد ... که مغایر با اسلام و تبسج آن متناقض با معیارها و اصول مدون ایدئولوژیکی ، تشکیلاتی ... سازمان مجاهدین خلق ایران بوده و میباشد ...

ضمنا " اعضا " کنندگان اطلاعیه و هم مسعود رجوی ... بخوبی از معنی " جهش " و " ارتقا " کیفی عقیدتی و تشکیلاتی " با اطلاع بوده و میدانند " تخیرات در این دنیا ... تدریجی ... و کمی است " ولی بعد ، در سرفصل های مشخص با جهش ، بگونه ای ناگهانی و با انقلاب ، کیفیت نویسی خلق میشود ، یعنی پدیده ی قبلی با جهش و انقلاب کنار گذاشته میشود ، و پدیده نو بجایش میآید چه در تکامل معدنی ... وجه در تکامل اجتماعی که ماد ریطنش هستیسم " (ص ۲۳ تبیین جلد ۴) ... معنی دقیق کلمه کیفیت ، تعیین ضروری یک شیئی است که

به اتکا آن، یک شیئی بمعنی همان شیئی است نه چیز دیگر، و از سایر اشیا متمایز میشود...
 اختلاف بین اشیا بی شباهت، کیفی و اختلاف بین اشیا شبیه بهم، کفی است (ص ۱۸)
 تحلیل آموزشی بیانیه (۰۰۰)

— لذا، بدینوسیله بهمه اعضا، هواداران و هسته های مقاومت سازمان مجاهدین خلق ایران در هر کجا که هستند، و به تمامی نیروهای انقلابی و مترقی، چه داخل و چه خارج، و به مردم قهرمانان اعلام میدارم، از تاریخ ۱۵/۱/۶۴، یعنی زمان انتشار مجاهد شماره ۲۴۱، که در آن چه توسط مسعود رجوی و چه اطلاعیه ۰۰۰ مواضع جدید ایدئولوژیکی، فرم تشکیلاتی و آرم ۰۰۰ خود را مشخص و اعلام نموده و همانطور که مهدی ابریشمچی گفته "حالا اونی که بودیم، نیستیم افتخار هم میکنیم نسبت باونائی که این راه رو نرفتند، سرهستیم ۰۰۰ تمام افراد و عناصری که "جهش عظیم ایدئولوژیکی" و "ارتقا کیفی عقیدتی و تشکیلاتی" و "تحول عمیق درونی و ارتقا جدا کیفی و تکاملی" یعنی مواضع جدید ۰۰۰ و اطلاعیه مادری را اعضا و یا قبول کرده و به برد لیلی و بهانه و توجیهی تأیید نمایند، دیگر عضو یا هوادار ۰۰۰ سازمان مجاهدین خلق ایران نبوده و نمیشوند.

بنابراین، مجاهدین و هواداران و هسته های مقاومت ۰۰۰ باید هرچه زودتر صفوف خود را از آنان و هواداران شان، پاک کرده و با آنها که یک جریان اپورتونیستی و شرک آلود، غیر مجاهد (سوسیال خرده بورژوازی منحط) با خصائص ارتجاعی بوده و جدای از سازمان مجاهدین میباشند، قطع همکاری و ارتباط نمایند. ارتباط و تماس، با عناصر جریان جدید، تنها برای تحویل گرفتن امکانات سازمان و یا حل مسائل صنفی (ویژه خارج کشور) و یا افشای گری میباشند.

— رهبریت پراگماتیست — اپورتونیست راست سابق (جریان جدید به خدائی و پیامبری مسعود رجوی)، با اعلام مواضع جدید خود ۰۰۰ بهیچوجه حق استفاده از نام و آرم سازمان مجاهدین خلق ایران را نداشته و ندارد. نام و آرم سازمان متعلق با اعضا و هوادارانی ۰۰۰ است که معتقد باید نولوزی توحیدی و ضوابط عام تشکیلاتی سازمان (که تدوین و جزواتش منعکس است) و معتقد به مبارزه همه جانبه بر علیه رژیم ضد انقلابی خمینی حول محور مبارزه انقلابی مسلحانه، که تاکتیک مرحله کنونی است، و معتقد به مبارزه با امپریالیسم (که در شرایط کنونی از کانال مبارزه با ارتجاع میگذرد)، میباشد.

بنابراین جریان جدید، شرک آلود، ضمن اینکه حق هیچگونه استفاده از نام و آرم سازمان را نداشته و ندارد، تعبیایستی از امکانات سازمان مجاهدین خلق استفاده نماید. و باید تمامی امکانات را بدون هیچ آماواگری، تحویل اعضا و کادرهای سازمانی و یا هواداران و

هسته های مقاومت... سازمان مجاهدین خلق ایران دهند .

— مجاهد خلق، معتقد به "ایدئولوژی اسلام"، مبتنی بر جهان بینی توحیدی است، که جامعه را بشیوه های انقلابی بسمت محور کامل استثمار و استقرار نظام توحیدی (قسط) هدایت میکند، و لذا در هر شرایط تاریخی اساساً متکی بر محرومترین و بالنده ترین نیروها و طبقات اجتماعی (متضعفین) بوده... و اصول و ضوابط مدون عام تشکیلاتی سازمان را قبول داشته و معتقد بمبارزه همه جانبه اعم از سیاسی — نظامی حول محور مبارزه انقلابی — مسلحانه، که تاکنیک مرحله کونی بر طیف ارتجاع حاکم و مبارزه با امپریالیسم بعنوان اصلی ترین دشمن خلق هاست، میباشد . که ضمن جدا کردن صفوف خود و عدم همکاری و ارتباط (بسه استثنا" موارد ذکر شده در بالا) با جریان جدید شرك آلود... بطور مستقل بمبارزات خود همچنان ادامه داده و با رعایت تعامی مسائل امنیتی سعی در برقراری تماس با هسته ها و دیگر اعضا... برای تشکیل يك کدگره منتخب از اعضا" و کادرها بطور وسیع، یاد در صورت عدم امکان محدود نمایند، تا به تدوین اساسنامه و بررسی پروسه چند سال اخیر و تحلیل همه جانبه جریان اپورتونیستی و شرك آلود جدید، و انتخابات مرکزیت... مبادرت به تدوین استراتژی مرحله بندی شده... جهت ساقط نمودن خمینی و مبارزه با امپریالیسم... نمایند .

تذکر : ضمناً" باید تجربه شهید شریف واقفی و شهید صدقیه لپاف... را در رابطه با جریان جدید، حین جدا سازی... مد نظر داشت .

— این جریان منحرف (اپورتونیسم راست)، هیچگونه تغییری در تعداد اصلی ما ایجاد نکرده، اعضا" و کادرها و هواداران و هسته های مقاومت در هر کجا که هستند، میبایستی تا تشکیل کدگره و تدوین اساسنامه و انتخاب رهبری جدید... ضمن حفظ استقلال خود، با تکیه بر تجارب تنوریک و علمی سازمان، و مبتنی بر صلاحیتهای موجود و ممکن و بر اساس ابتکارات و خلاقیتهای خود، طبق آیه قرآنی "وشاورهم فی الامر فاذا عزمت فتوکل علی الله" و با استفاده از شیوه شور و مشورت "امرهم شوری بینهم" ویکارگیری اصول دمکراتیک انقلابی، بمبارزات خود در هر شکلی (اعم از هسته های مسلحانه یا غیر رودررو) که هستند، برای سرنگونی رژیم ضد خلقی و ارتجاعی خمینی، بایاری جستن از خدا و باتکیه به نیروی لایزال خلق قهرمانان، با سرسختی بیشتر و بدون کوچکترین تزلزل و سستی... همچنان ادامه دهند .

— اعضا" و هواداران و هسته های مقاومت... سازمان مجاهدین خلق ایران، میبایستی با تکیه بر اصول توحیدی — انقلابی خود و صرفاً" با استفاده از شیوه های سیاسی مبادرت با فشا" هرچه بیشتر مواضع جدید و ماهیت پراگماتیست اپورتونیست این جریان جدید با تفکرات شرك آلود

تفقراتی نموده و با آن مبارزه نمایند . ضمناً " باید توجه داشته باشند ، تا از هرگونه برخورد غیر اصولی و فیزیکی که احیاناً " آنها بدان مبادرت خواهند نمود ، بشدت خودداری نمایند . تا ضمن افشا " ما هیتشان ، ضد انقلاب غالب و مغلوب نیز نتوانند از این انحراف و ضربه - ای که توسط جریان جدید اپورتونیستی به سازمان و جنبش خلقمان وارد شده . . . بیشتر از این استفاده نمایند . تلاشمان باید صرف منروی و ایزوله ساختن رهبریت جریان جدید ، و از طریق آگاه نمودن پیروان صادق و ناآگاه آنان شود . تا بعد از انتقاد از خود لازم ، بتوانند مجدداً " بمغفوف مجاهدین بپیوندند .

— از آنجا که تد اوم این جریان منحرف راست ، میتواند پیروزی جنبش را بتأخیر و یا بانحراف بکشاند . و میتواند موجب هرز رفتن نیروهای خلقی شده و باعث ضرباتی دیگر به جنبش شود و مورد سوء استفاده رژیم مرتجع ضد انقلابی حاکم ، جهت توجیه اعمال روشهای ضد انسانی گذشته و حال و آینده اش قرار گیرد . . . لذا این جریان جدید و عوارض سوء ناشی از آن تنها مسئله و یا مربوط به مجاهدین نبود ، بلکه در رابطه با کل جنبش ، یعنی مردمان و دیگر نیروهای انقلابی و مترقی نیز میباشد ، که از عوارض سوء آن هیچ نیروی ام از انقلابی و مترقی . . . مصون و در امان نخواهد بود . (به تجارب ناشی از جریان اپورتونیستهای چپانما و حزب توده . . . توجه شود)

بنابراین وظیفه تمامی نیروهای انقلابی و مترقی . . . است ، تا هرچه سریعتر وقاطعانه تر بر علیه این جریان اپورتونیستی موضع گرفته و در افشا " و منروی ساختن آن اقدام نمایند . طی - الخصوص بعضی از گروهها و عناصر مارکسیست و ملی و مسلمان . . . چه در شورا و چه در خارج از آن که با حمایتهای مستقیم و غیر مستقیم و یا برخورد ها و موضع گیریهای غیر مسئولانه خود . . . موجب رشد و تقویت هرچه بیشتر این جریان جدید شده و میشوند . . .

پیشاپیش هرگونه موضع گیری و برخورد غیر مسئولانه ای را (از طرف هر نیرو . . .) که بخواهد این تفکرات و دیدگاهها و برداشتها و عملکرد ارتجاعی و غیردیمکراتیک . . . را پیاپی اسلام انقلابی و به تبع آن باید ثلوزی سازمان مجاهدین خلق ایران ، زده و تعمیم دهد ، بشدت محکوم کرده و آنرا برخوردی ساده گرایانه و سطحی و بیضرر جنبش و جنبه خلق دانسته ، چراکه ، چنین تفکراتی اساساً " ربطی به اسلام و اید ثلوزی سازمان مجاهدین خلق ایران نداشته و ندارد .

چنین برخوردهائی بیانگر نادیده گرفتن خون هزاران هزار مجاهدیست که برای برپائی جامعه بی طبقه توحیدی که عاری از هرگونه ستم و استثمار است ، دلاورانه بپا خاسته و باشعار مرگ بر ارتجاع ، مرگ بر امپریالیسم ، زنده باد آزادی . . . خون پاکشان را در میدانهای نبرد . . .

نشان نمودند و مرزی استوار بین اسلام انقلابی و مرتجعین د کم - قشری و هر نوع برداشت ارتجاعی و شرک آلود از اسلام کشیدند ، می باشد .

برخورد غیر مسئولانه با این امر ، بمثابة آنست که بخواهند تا تمام تفکرات و دیدگاهها و برداشتها و عملکرد جریان اپورتونیستهای چپ‌نما و حزب توده و اکثریتی ها . . . را بیسای مارکسیسم انقلابی زده و بحساب آن محسوب دارند . . .

- " اطلاعیه تعیین مواضع سازمان مجاهدین خلق ایران ، در برابر جریان اپورتونیستی (انحرافی) چپ‌نما " (پاییز ۵۶) میتواند نصب العین اعضا و هواداران و هسته های مقاومت . . . سازمان بوده و رهنمودهای از آن ، که با شرایط و جریان جدید مطابقت دارد مورد استفاده قرار گیرد .

" الراضی بفعل قوم کالد اخل فیہ معہم ، و طی کل داخل فی باطل ائمان ، اثم العمل به ، و اثم الرضا به " سخنان علی (ع) کلام ۱۴۹ نهج البلاغه " کسیکه بکار گروهی خوشنود باشد مانند آنستکه با ایشان در آن کار همراه بوده . و بر هر کس که کار باطل و نادرست و گناه است . گناه بجا آوردن آن و دیگری گناه رضا و خوشنودی بآن

مرکز بر ارتجاع - مرکز بر امیرالیم

زنده باد آزادی - پیش بسوی جامعه بی طبقه توحیدی

عضو سازمان مجاهدین خلق ایران

پرویز یعقوبی

۱۳۶۴/۱/۲۹ مصادف با بعثت پیامبر اکرم (ص)

- هموطنان عزیز ، نیروهای انقلابی و مترقی ، در تکثیر و توزیع این اطلاعیه ، کمک کنید .
- نامه های خود را باین آدرس ارسال دارید :

B.P. 13 95540 MERY S/OISE - FRANCE

- کمکهای مالی خود را به سازمان مجاهدین خلق ایران ، موقتاً

باین حساب واریز و رسید آنرا بآدرس فوق ارسال دارید :

CREDIT LYONNAIS

GUICHET : 662

Code Banque : 30002

Mr. YAGHOUBI

Compte n° 44912A/66

75010 PARIS FRANCE